

زوایای تاریک تاریخ و تکنیک‌های سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ در ایران برداشته شده باشد.

گزارش محرمانه اداره اطلاعات مرکزی

(CIA) درباره کودتای ۱۳۳۲

نوشته ملکوم بیرن (Malcolm Byrne)

تاریخ: ۲۱ آوریل ۲۰۰۰

(۲ اردیبهشت ۱۳۷۹)

تاریخچه عملیات تی پی ای جکس (TPAJAX) [تنظیم شده از سوی اداره اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) که گزیده‌ای از آن در زیر آمده است نخستین بار توسط جیمز ریزن (James Risen) در سرمقاله ۱۶ آوریل ۲۰۰۰ (۲۸ فروردین ۱۳۷۹) در روزنامه نیویورک تایمز منتشر شد و آنگاه در وب سایت این روزنامه در اینترنت به نشانی nytimes.com قرار گرفت. این سند بسیار مهم یکی از آخرین اجزاء عمده معمایی است که نقش آمریکا بریتانیا را در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر ضد محمد مصدق نخست وزیر ایران تشریح می کند. این سند که در مارس ۱۹۵۴ توسط دونالد ویلبر (Donald Wilber) یکی از طراحان اصلی عملیات نوشته شده در ۲۰۰ صفحه و در اصل يك گزارش پس از عملیات بوده که ظاهرأ در برخی موارد مبتنی بر تلگرام‌هایی بوده که عوامل سیار سال کرده‌اند و در پاره‌ای موارد دیگر بر مصاحبه‌هایی که خود ویلبر در آستانه تکمیل عملیات با عواملی که در منطقه عملیاتی در ایران بوده‌اند انجام داده است.

چنان که تاریخدانان مدت‌ها در پی آن بودند، تاریخچه ویلبر دارای همه ویژگی‌های ارزشمند است چون تقریباً از معدود اسنادی است که از میان مقادیر نامعلوم از اسنادی که بنا به اظهار جیمز وولسی (James Woolsey) رئیس پیشین سیا، توسط مأموران این اداره (ظاهراً بطور معمول) در دهه ۱۹۶۰ نابود شده، همچنان باقی مانده است. با این حال بر طبق يك بررسی که از سوی اداره اسناد و مدارك ملی در مارس سال ۲۰۰۰ منتشر شده، «در خلال سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ در واقع هیچ برنامه‌ای برای نابود کردن مدارك مربوط به اقدامات پنهانی وجود نداشته و در نتیجه نابودی مدارك مربوط به ایران غیر مجاز بوده است.» (ص ۲۲) سیاه اکنون

مدتی پیش در یکی از گشت‌های خود در دریای بیکران اینترنت در سایت اسناد امنیت ملی آمریکا سند بسیار مهمی درباره کودتای آمریکایی و انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران مشاهده کردم. این سند بتازگی و با تلاش فراوان و پیگیری‌های قضایی اداره اسناد امنیت ملی مجوز انتشار دریافت کرده و نخستین بار در ۱۶ آوریل ۲۰۰۰ برابر ۲۸ فروردین ۱۳۷۹ در مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز^۲ مطرح شده و اسناد آن در شبکه جهانی اینترنت در معرض دید جهانیان قرار گرفته است. این سند نکات جالب و تازه‌ای درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آشکار می کند که تاکنون نسبت به آن اطلاع درستی در دست نبوده است. درباره این سند دو تن از ایران شناسان آمریکایی مقدمه‌ای نوشته‌اند که پیش از پرداختن به سند، نظر خوانندگان محترم به این دو مطلب جلب می شود. نکته مهم این است که به نظر طراحان کودتا و وضع ایران مطابق با منافع آمریکا و بریتانیا نبوده و برای اقدام در ایران از همه ابزارهای لازم و از هر مخالفی (به هر دلیلی که مخالف باشد) از جمله چهره‌های و جبهه مذهبی و ملی بهره برداری کرده‌اند. از دید آنان رضایت و همگامی شاه با آنها مطلوب اما لازم نبوده، یعنی طرح کودتای در صورت مخالفت شاه می بایست با تکیه بر همه عوامل انسانی و غیر انسانی در ایران به اجرا در آید. نکته پایانی اینکه در برگردان این سند تاریخی به فارسی سعی شده امانت کامل رعایت شود. مطالبی که داخل پرانتز () آمده توضیحات نویسندگان است و مطالبی که داخل [] قرار گرفته از خود می باشد. از آنجا که متن اسناد قدیمی و مربوط به دست کم ۴۰ سال پیش است و نویسندگان بیشتر تاریخدان بوده‌اند تا خبرگان سیاست، به همین دلیل برخی واژه‌ها به گونه‌ای به کار رفته که در ادبیات کنونی علوم سیاسی و روابط بین الملل مرسوم نیست. برای مثال از اصطلاح انقلاب نظامی (Military Revolution) احتمالاً شورش نظامی (Military Revolt) مورد نظر بوده یا در بیشتر موارد از واژه حکومت (Government) به جای دولت (State) استفاده شده است. همه این موارد دقیقاً در ترجمه رعایت شده است چرا که احتمال می رفته نویسنده در کاربرد این واژه‌ها هدفی خاص داشته است. امید است با این کار قدمی در راه شناختن و شناساندن

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

گزیده سندی از اسناد
امنیت ملی آمریکا، کتاب
الکترونیك شماره ۲۸

تحقیق و ترجمه از:

دکتر بهرام نوازی

استادیاد گروه علوم سیاسی دانشگاه
بین المللی امام خمینی (ره)

می‌گوید که در حدود ۱۰۰۰ صفحه سند لاک و مهر شده در گاو صندوق‌های این اداره موجود است. در خلال دهه ۱۹۹۰ سه تن از رؤسای سیاسی یکی پس از دیگری وعده کردند که اسناد ارز شمند تاریخی درباره ایران و ۱۰ عملیات پنهانی گسترده دیگر را که در دوره جنگ سرد صورت گرفته است مورد بازنگری قرار دهند و منتشر کنند. اما در سال ۱۹۹۸ جورج تننت George Tenet رئیس کنونی سیا با اعلام محدود کردن منابع، عهدشکنی کرد و همین موجب شد که اداره اسناد امنیت ملی در سال ۱۹۹۹ دادخواستی برای انتشار تاریخچه عملیات ۱۹۵۳ در ایران و یک مورد دیگر که به نظر می‌رسید هنوز وجود داشته باشد به دادگاه تسلیم کند. تاکنون سیا موفق شده که از آزاد کردن این دو سند خودداری کند و از ۳۳۹ صفحه تنها یک جمله را آشکار کرده است و آن اینکه «سرفرماندهی‌های سیا و اس آی اس [یک روز تمام را با افسردگی و ناامیدی گذراندند]» و ویلیام مک‌نایر (William McNair) مأمور بازنگری اطلاعات در یک بیانیه آتشین خطاب به مدیریت عملیات سیا مدعی شد هر قسمت دیگری از این سند بیش از آن عبارتی که قبلاً در خاطر او و بلیز منتشر شده است به تحقیق می‌تواند خسارات جدی برای امنیت ملی ایالات متحده به بار آورد.» نیازی به گفتن ندارد که «مأمور پیشینی» که این سند را به روزنامه نیویورک تایمز داده با این طرز تلقی مک‌نایر موافق نبوده است. این پرونده همچنان نزد یک قاضی فدرال در دست بررسی است.

می‌باشد. نیویورک تایمز مقدمه و بسیاری از اسناد برنامه عملیات را در وب سایت خود در معرض دید عموم قرار داده است. اما تایمز پس از مشورت با تاریخدانان برجسته تصمیم گرفت بخش اصلی متن را منتشر نکند چون آنان معتقد بودند احتمالاً برخی از کسانی که از آنها بعنوان عوامل بیگانه نام برده شده گرفتار کیفر می‌شوند.

از آنجا که خلاصه مقدماتی و متن اصلی سند در مورد چند تاریخ و واقعه با هم سازگار نیست، خواننده ممکن است متوجه نوعی ناهمگونی شود. تایمز در گزارش خود به جزئیات سند سیا که اینجا منتشر نشده استناد کرده است. گذشته از این، برخی نام‌ها و مشخصات هویتی از اسنادی که در وب قرار گرفته پاک شده است.»

اداره اسناد امنیت ملی تصمیم گرفته است بخش‌هایی از این تاریخچه را که از سوی تایمز منتشر شده در وب سایت خود قرار دهد تا مطمئن شود که این سند غیرعادی تا جایی که ممکن است به اطلاع عموم می‌رسد. با تشکر از پیمان عرب‌شاهی، این نسخه برخلاف نسخه تایمز قابل بازیابی و چاپ است (هیچ حق تألیفی در مورد اسناد دولتی ایالات متحده وجود ندارد).

اداره اسناد امنیت ملی بعنوان یک خلاصه مقدماتی ولی کامل، یک تحلیل مقدماتی ولی کامل، یک تحلیل مقدماتی از سند به قلم پروفیسور مارک گازیوروسکی (Mark Gasiorowski) از دانشگاه دولتی لویزیانا و برجسته‌ترین پژوهشگر کودتای ۲۸ مرداد و عضو هیأت مشورتی این اداره درباره طرح روابط ایران و آمریکا منتشر می‌کند.

مطالب تازه درباره کودتای ۲۸ مرداد در

سرمقاله روزنامه نیویورک تایمز مورخ

۱۶ آوریل ۲۰۰۰ و اسنادی که در وب سایت این

روزنامه قرار گرفته است.

نوشته: پروفیسور مارک گازیوروسکی

تاریخ: ۱۹ آوریل ۲۰۰۰ (۳۱ فروردین ۱۳۷۹)

مقاله نیویورک تایمز مطالب چندان تازه‌ای نسبت به مقاله من که در سال ۱۹۸۷ در مجله بین‌المللی مطالعات خاورمیانه به چاپ رسیده و در

به منظور افشای این تاریخچه، تایمز لندن (The Times) شاید بطور موقت تصمیم گرفت که یک خلاصه و چهار ضمیمه سند اصلی را دوباره منتشر کند. علت این بوده که متن اصلی آکنده از نام‌ها و نشانی‌های ایرانی است که با سیا همکاری داشته‌اند و این افراد ممکن است همچنان در ایران بسر ببرند و افشای این سند احتمالاً می‌تواند موجب انتقام کشی برای رفتارشان در سال ۱۹۵۳ شود. تایمز متن زیر را همراه گزیده‌ای از سند یادشده در وب سایت خود قرار داد:

«تاریخچه محرمانه کودتای ۱۹۵۳ سیا در ایران یک سند تقریباً دو بیست صفحه‌ای شامل توضیحات خود نویسنده درباره عملیات و یک رشته اسناد مربوط به برنامه عملیات به صورت ضمیمه

Gulf 2000 archives موجود است یا دیگر منابع مربوط به کودتا ندارد. جالبترین نکته جدید در اینجا این است که عوامل سیار هبران مذهبی را به ستوه آوردند و در منزل یکی از آنها بمب گذاری کردند تا آنها را به ضدیت با مصدق برانگیزند. مقاله چیزی نمی گوید ولی این کار احتمالاً از سوی ایرانیانی که در شبکه (BEDAMN) فعالیت داشته اند و در مقاله ام آنرا تشریح کرده ام صورت گرفته است. برخی جزئیات هم درباره چگونگی متقاعد کردن شاه از سوی ایالات متحده برای موافقت با کودتا بر ملا شده از جمله گزارشی که نشان می دهد اسدالله رشیدیان در این تلاش سهمیه بوده و ژنرال شوار تسکف (Schwartzkopf) هم نقش بیشتری در این باره نسبت به آنچه قبلاً می دانستیم بازی کرده است. جزئیات دیگری نیز در این مقاله آمده که من می دانستم ولی تمایلی به افشای آن نداشتم، از جمله اینکه دونالد ویلبر (Donald Wilber) و نورمن دربی شایر (Norman Derbyshire) طرح اولیه کودتا را تهیه کرده اند و طرح کودتا به «تی پی ای جکس» (TPAJAX) مشهور بوده «نه ای جکس» (AJAX) پیشوند تی پی اشاره به این دارد که عملیات باید در ایران به اجرا در می آمد. مقاله نیویورک تایمز درباره یک رشته امور بحث انگیز در خصوص کودتا حرفی نمی زند مثلاً اینکه آیا آیه... کاشانی در سازماندهی جمعیت نقش داشته یا اینکه سیا آن جمعیت ساختگی حزب توده را در راستای تلاش برای کودتا به صحنه کشانده بوده است. ممکن است چیزهایی در این موارد در آن تاریخچه ۲۰۰ صفحه ای باشد.

دو سند مربوط به طرح های عملیاتی کودتا که به سند خلاصه ضمیمه شده خیلی مهمتر از مقاله نیویورک تایمز است. این دو سند اطلاعات باارزشی در بر دارد و نشان می دهد که انگلیسی ها گرچه در این کودتا نقش زیر دست داشته اند، ولی با تأمین بخشی از منابع مالی کودتا و استفاده از شبکه اطلاعاتی خودشان که از سوی برادران رشیدیان هدایت می شده برای نفوذ در نمایندگان مجلس و انجام کارهای دیگر نقش بسیار مهم تری نسبت به آنچه قبلاً معلوم شده بود بازی کرده اند. سیا این طرح کودتا را «شبه قانونی» توصیف و به این واقعیت اشاره می کرد که شاه مصدق را بطور قانونی برکنار کرده بود، ولی

احتمالاً اعتراف داشت به اینکه شاه بارای و نظر خود دست به چنین کاری نزده بود. این اسناد روشن می سازد که سیا آماده اجرای کودتا بوده، حتی اگر شاه با آن مخالفت می کرد. این احتمال مطرح شده است که سیا از پول جعلی ایرانی استفاده کرده تا نشان دهد مصدق اقتصاد را به ورطه سقوط کشانده است، گرچه من شخصاً مطمئن نیستم چنین کاری صورت گرفته باشد. این اسناد نشان می دهد که پیش از کودتا، به فضل... زاهدی و همکاران نظامی او مبالغه هنگفتی پول (دست کم ۵۰۰۰۰ دلار) داده شده بود تا شاید حمایتشان جلب شود. جالبتر از همه اینکه اسناد مذکور نشان می دهد که تعدادی از مذهبیون و انجمن های مذهبی که نامشان محو شده قرار بوده نقش بسزایی در کودتا بر عهده داشته باشند. بالاخره اینکه نویسنده یا نویسندگان طرح لندن - که احتمالاً همان ویلبر و دربی شایر باشند - چیزهای ناخوشایندی درباره ایرانیان می گویند از جمله اینکه «تاوانی قابل ملاحظه ای در ایرانیان برای برنامهریزی یا اجرا به شیوه کاملاً منطقی» وجود دارد.

شاید کلی ترین نتیجه ای که بتوان از این اسناد گرفت این باشد که سیا بطور گسترده تمام مراحل کودتا را رهبری کرده، یعنی نه فقط آن را به اجرا گذاشته بلکه با هدایت باز یگران مختلف مهم سیاسی ایرانی و بهره گیری از تبلیغات و دیگر ابزارهای نفوذ بر افکار عمومی بر ضد مصدق، زمینه کودتا را فراهم ساخته است. این همان نکته مهمی است که در مقاله من و دیگر اسناد منتشر شده نیز بدان اشاره شده اما در این اسناد دقیقاً تصریح شده و مورد تصدیق قرار گرفته است. به اعتقاد من، این اسناد استدلالی را که بطور فراگیر در میان حلقه تبعیدیان سلطنت طلب ایرانی وجود دارد مبنی بر این که کودتا یک «قیام مردمی» مشروع به نمایندگی از شاه بوده است، رد می کند.

در پاسخ به پرسشهای نیک کی (Nikki Keddie) استاد دانشگاه UCLA درباره اینکه آیا مقاله نیویورک تایمز داستان را بطور واقعی بیان کرده یا نه، باید بگویم زمانی که آن سند ۲۰۰ صفحه ای بیرون نیامده است نمی توان حرفی زد. نکته دیگری هم که نیک کی کدی مطرح می کند مهم است: اینکه احتمال دارد این اسناد بیش از آنکه مبتنی بر حقیقت

وزیر خارجه آمریکا.

ضمیمه E: ارزیابی نظامی: درس‌های گرفته شده از تی‌پی‌ای جکس؛ بازگشت به جنبه‌های طراحی نظامی کودتا.

برگ تاریخی سی‌اس
شماره ۲۰۸

تاریخچه اقدامات پنهانی برای سرنگونی

مصدق نخست‌وزیر ایران - نوامبر ۱۹۵۲ تا

اوت ۱۹۵۳

تاریخ نگارش: مارس ۱۹۵۴

تاریخ انتشار: اکتبر ۱۹۶۹

نوشته: دکتر دونالد ویلبر

یادداشت تاریخ نویس

این گزارش با عنوان «سرنگونی مصدق نخست‌وزیر ایران»، در مارس ۱۹۵۴ توسط دکتر دونالد ویلبر که نقش فعالی در عملیات داشته نگاشته شده است. این مطلب بدین خاطر نوشته شده که شایسته می‌نمود افزودن بر اسنادی که موجود است و خاطراتی که افراد درگیر در عملیات نوشته‌اند و هنوز تازگی دارد، سابقه‌ای از یک رشته عملیات بزرگ در دست باشد. از این گذشته به مصلحت دیده می‌شد که برخی از نتایج به دست آمده پس از تکمیل عملیات مورد تأکید قرار گیرد و برخی از آنها به صورت توصیه‌های کاربردی برای عملیات مشابه در آینده ارائه شود.

اسناد مربوط به عملیات که در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته، در پرونده‌های طرح تی‌پی‌ای جکس که توسط شاخه ایران از بخش خاور نزدیک و آسیای جنوبی نگهداری می‌شود موجود است.

نام‌های خاصی که در این گزارش آمده، جملگی با دقت مورد بازنگری قرار گرفته است. تلاش بسیار شده که اسم کوچک و کنیه هر فرد مشخص گردد. نیامدن هر نام کوچک یا دیگر اسامی نشان می‌دهد که اطلاعات بیشتری در دسترس نبوده است.

دین ال داج (Dean L. Dodge)

بخش خاور نزدیک

مارس ۱۹۶۹

باشد نشانگر تعصبات خاصی باشد که نویسندگان آن داشته‌اند. ویلبر در زمان وقوع کودتا در ایران نبوده و برداشت وی از کودتا تنها متکی بر گزارش‌هایی بوده که کر میت روزولت^۲ (Kermit Roosevelt) و دیگر مباحثان کودتا فرستاده بودند. برخی از حقایق در جریان این دریافت و ارسال گزارش‌ها به گونه اجتناب‌ناپذیر از نظر دور مانده یا از آنها سوء برداشت شده، مخصوصاً بدین علت که کارها بسرعت در حال تحول و تغییر بوده است. تردید دارم که بتوان گفت خطای فاحشی در آن تاریخچه ۲۰۰ صفحه‌ای وجود دارد. درست است که ویلبر تعصبات خود را داشته، ولی قطعاً تاریخدانی لایق بوده است. هیچ دلیلی نمی‌یابم که او خواسته باشد این واقعیات را تحریف کند.

نکات چند دیگری نیز در ایجاد مطرح است. فکر می‌کنم این اسناد مدتی پیش از سخنرانی اخیر مادلین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا به روزنامه نیویورک تایمز داده شده است و همین بطور ضمنی نشان می‌دهد که تلاشی برای منحرف کردن توجه عمومی یا اضافه کردن مطلبی به سخنرانی آلبرایت توسط یک «مامور پیشین» گمنام که این اسناد را در اختیار نیویورک تایمز قرار داده، مورد نظر نبوده است. فکر می‌کنم هنوز دلایلی هست که امیدوار باشیم آن سند ۲۰۰ صفحه‌ای قطعاً روزی توسط نیویورک تایمز منتشر شود. جداً امیدوارم چنین شود.

اسناد

تاریخچه اقدامات پنهانی سیا، «سرنگونی مصدق نخست‌وزیر ایران، نوامبر ۱۹۵۲ تا اوت ۱۹۵۳»، مارس ۱۹۵۴ (گزیده)، نوشته دکتر دونالد ویلبر.

صفحه‌روی جلد: فهرست موضوعات و خلاصه.

ضمیمه A: طرح اولیه عملیات برای تی‌پی‌ای جکس چنان که از نیکوزیا برای سرفرماندهی‌ها در اول ژوئن ۱۹۵۳ [برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۳۲] مخابره شده است.

ضمیمه B: نسخه «لندن» برای طرح عملیاتی تی‌پی‌ای جکس.

ضمیمه C: یادداشت وزارت خارجه آمریکا به تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۳ [برابر با ۱ مرداد ۱۳۳۲] از مارکینز سفیر بریتانیا به اسمیت معاون

خلاصه

در پایان سال ۱۹۵۲ معلوم شده بود که حکومت مصدق در ایران نمی تواند بر سر نفت با کشورهای غربی ذینفع به توافق برسد؛ از لحاظ اقتصادی و مالی وضعی خطرناک داشت و به مرحله قانون گریزی و ورشکستگی نزدیک شده بود؛ برای طولانی کردن مدت نخست وزیری مصدق به قانون اساسی ایران بی توجهی شده بود؛ همه آنها بطور کلی از طمع مصدق به سلطه جویی شخصی ناشی می شد؛ سیاست های غیر مسؤولانه مبتنی بر احساس حاکم شده بود؛ شاه و ارتش ایران تا حدی خطرناک تضعیف شده بودند؛ و حکومت همکاری نزدیکی با حزب توده (کمونیست) ایران برقرار کرده بود. با توجه به این عوامل حدس زده می شد که ایران در معرض خطر سقوط به آن سوی پرده آهنین است و اگر چنین می شد یک پیروزی برای شوروی ها در جنگ سرد و یک شکست برای غرب در خاورمیانه به شمار می رفت. هیچ راه چاره ای جز اجرای طرح اقدام پنهانی به شرح زیر نمی توانست وضع موجود را بهبود بخشد.

هدف طرح تی پی ای جکس زمینه سازی برای سرنگونی حکومت مصدق، برقراری مجدد شأن و قدرت شاه و جایگزینی حکومت مصدق با حکومت دیگری بود که بتواند بر پایه سیاست های سازنده در ایران کار کند. مشخصاً هدف این بود که حکومتی به قدرت برسد که بتواند به توافق نفتی منصفانه ای دست یابد و ایران را قادر سازد تا از نظر اقتصادی روی پای خود بایستد، بدهی های مالی را بپردازد و حزب بسیار نیرومند کمونیست را قاطعانه سرکوب کند.

در مارس ۱۹۵۳ یعنی هنگامی که یقین حاصل شده بود دیگر به سود آمریکا نیست که حکومت مصدق بر سر کار باشد وزیر خارجه آمریکا موضوع را به اطلاع سیار ساندو سیا به تهیه طرحی پرداخت تا اهدافی که در بالا گفته شد از طریق اقدام پنهانی جامه عمل بپوشد. در ۱۶ آوریل ۱۹۵۳ [۲۷ فروردین ۱۳۳۲] یک ارزیابی مقدماتی با عنوان «عوامل مؤثر در سرنگونی مصدق» صورت گرفت. در اینجا بود که مشخص شد سرنگونی مصدق از طریق عملیات پنهانی امکان پذیر است. در همین ماه به سیا مأموریت داده شد که عملیات پیش بینی شده را با همکاری سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا (SIS) به اجرا

گذارد. در پایان این ماه تصمیم گرفته شد که مأموران سیا و اس آی اس (SIS) در قبرس طرحی تهیه و به سرفرماندهی های سیا و اس آی اس تسلیم کنند تا برای تأیید نهایی در اختیار وزارت خارجه آمریکا و وزارت خارجه بریتانیا قرار گیرد. در سوم ژوئن ۱۹۵۳ [۱۳ خرداد ۱۳۳۲] لوی وسلی هندرسون (Loy Wesley Henderson) سفیر ایالات متحده در تهران وارد آمریکا شد و بطور مفصل در زمینه واقعیت امور و اهداف به شرحی که در بالا گفته شد و همچنین در باره مقاصد سیا در پیش بینی ابزارهای پنهانی دستیابی به این اهداف مورد مشورت قرار گرفت.

طرح در ۱۰ ژوئن ۱۹۵۳ [۲۰ خرداد ۱۳۳۲] تکمیل شد و در این مدت کرمیت روزولت رئیس بخش خاور نزدیک و آفریقا در سیا (کسی که حامل دیدگاه های وزارت خارجه، سیا و هندرسون بود)، هوگر گولران (Hoger Golran) رئیس پایگاه سیا در ایران و دو مأمور دیگر از سیا در زمینه برنامهریزی در بیروت ملاقات کرده و طرح را مورد بررسی قرار داده بودند. طرح پیشنهادی عملیات با تغییراتی اندک در ۱۴ ژوئن [۲۴ خرداد] به اس آی اس در لندن تسلیم شد.

در ۱۹ ژوئن [۲۹ خرداد] برنامه نهایی عملیات که مورد موافقت آقای روزولت از سیا و سرویس اطلاعاتی در لندن قرار گرفته بود برای تأیید به وزارت خارجه آمریکا در واشینگتن، به آقای آلن دالس (Allen W. Dulles) رئیس سیا و به هندرسون منعکس شد. همزمان، اس آی اس نیز این طرح را برای تأیید به وزارت خارجه بریتانیا تسلیم کرد. وزارت خارجه آمریکا می خواست پیش از تأیید طرح، در دو مورد اطمینان کامل حاصل کند:

۱- اینکه حکومت ایالات متحده می تواند کمک های لازم را در اختیار حکومت آینده ایران بگذارد به گونه ای که آن حکومت تا دستیابی به توافق نفتی بتواند سرپا بماند؛

۲- اینکه حکومت بریتانیا برای راحت شدن خیال وزارت خارجه ایالات متحده، تمایل خود را برای دستیابی به یک توافق نفتی سریع با حکومت آینده ایران بر پایه حسن نیت و انصاف، بطور کتبی اعلام کند.

نظر وزارت خارجه آمریکا در هر دو مورد تأمین

ضروری بود که اقدام از طرف پادگان‌های نظامی تهران تضمین شود و جایگزینی نخست‌وزیر جنبه قانونی پیدا کند. از آنجا که شاه خود در افرادی بی‌اراده نشان داده بود قرار شد که فشار... [دنباله این قسمت منتشر نشده است]

ضمیمه A

طرح اولیه عملیات برای تی پی ای جکس، به گونه‌ای که از نیکوزیا برای سر فرماندهی هادر اول ژوئن ۱۹۵۳ [۱۱ تیر ۱۳۳۲] مخابره شده است.

خلاصه طرح مقدماتی که از سوی فرستادگان اس آی اس و سیادر قبرس تهیه شده بود:

I- اقدام مقدماتی:

A- طرح مقدماتی عملیات:

۱- سیامبلغ ۳۵۰۰۰ دلار به زاهدی پرداخت خواهد کرد.

۲- اس آی اس مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار به زاهدی پرداخت خواهد کرد.

۳- برای رساندن مبالغ بالا به زاهدی از کانال‌های محلی اس آی اس استفاده خواهد شد.

۴- در صورت لزوم سیاه‌رهبان اصلی نظامی کمک مالی خواهد کرد.

B- جلب همکاری شاه

۱- مرحله اول: متقاعد کردن شاه به اینکه بریتانیا و ایالات متحده هدف مشترک دارند و بر طرف کردن واهمه بیماری گونه‌وی از توطئه چینی بریتانیا برضد او.

(a) هندرسون به ملاقات شاه خواهد رفت و وی را از کمک مشترک ایالات متحده و بریتانیا مطلع خواهد کرد و اطمینان خواهد داد که بریتانیا از وی و نه از مصدق حمایت می‌کند.

(b) هندرسون باید به شاه بگوید که فرستاده ویژه ایالات متحده بزودی به وی معرفی خواهد شد تا طرح مشترک ایالات متحده و بریتانیا ارائه کند.

۲- مرحله دوم: فرستاده ویژه ایالات متحده شاه را ملاقات و موارد زیر را به وی اعلام خواهد کرد:

(a) اعلام به شاه:

(۱) هر دو حکومت مسأله نفت را در مرحله دوم اهمیت قرار می‌دهند.

(۲) موضوع مهم حفظ استقلال ایران و دورنگاه داشتن آن از مدار شوروی است. برای این کار

در اواسط ژوئن ۱۹۵۳، وزارت خارجه آمریکا و وزارت خارجه بریتانیا مجوز اجرای طرح تی پی ای جکس را صادر کردند و رئیس سیا تأیید رئیس جمهور آمریکا را نیز به دست آورد.

اس آی اس با هماهنگی رئیس سیا و هندرسون پیشنهاد کرد روز ولت فرماندهی عملیات در تهران را در مراحل پایانی برعهده گیرد. وزارت خارجه آمریکا به هندرسون توصیه کرد برای مشاوره همچنان در واشینگتن بماند و بازگشت خود به ایران را تا پایان عملیات به تعویق اندازد. مشترکاً با اس آی اس ترتیباتی اتخاذ شد که با استقرار موقت یک مأمور سیادر قبرس، هماهنگی عملیاتی از آنجا هماهنگی تدارکاتی از واشینگتن انجام شود. با امکانات سیاه‌مینا ارتباطات سریع سه طرفه میان تهران، قبرس و واشینگتن فراهم و زمان عملیات نیمه اوت تعیین گردید.

قرار شد عوامل تبلیغاتی سیا و اس آی اس در ایران برای تضعیف حکومت مصدق به هر روش ممکن، تلاش‌های تبلیغاتی خود را از طریق مطبوعات، اعلامیه‌ها و محافل روحانی در تهران به گونه فزاینده شدت بخشند. در ایالات متحده مقامات بلندپایه می‌بایست با صدور بیانیه‌های رسمی هر گونه امید حکومت مصدق به دریافت کمک اقتصادی از آمریکا را از میان ببرند و افکار عمومی مردم ایران را نسبت به افسانه‌سازی مصدق مبنی بر اینکه ایالات متحده از حکومتش حمایت می‌کند آگاه کنند.

تیمسار فضل‌الله زاهدی، از اعضای سابق کابینه مصدق، مناسب‌ترین جانشین برای نخست‌وزیر در نظر گرفته شد، چون بعنوان تنها شخصیت صاحب شأنی که پیوسته و آشکارا به مخالفت با مصدق برخاسته بود باز می‌گردد و طرفداران چشمگیری هم داشت. قرار شد سیا با زاهدی تماس بگیرد، او را از نقشه عملیات ماو اینکه در نظر است بعنوان نخست‌وزیر جدید منصوب شود آگاه کند. او می‌بایست ستادی نظامی تشکیل دهد که سیا با هماهنگی آن ستاد طرح دقیق ستادی عملیات را تنظیم نماید.

از ابتدا، همکاری شاه بعنوان بخش اساسی طرح مورد توجه قرار داشت. همکاری او از این نظر

مصدق باید برکنار شود.

روبرو شود، در ظرف چند ساعت کودتای نظامی صورت گیرد.

(۳) خاندان سلطنتی کنونی بهترین سپر محافظ حاکمیت ملی است.

III- روابط با مجلس

A- هدف اصلی به دست آوردن ۴۱ رأی مخالف با مصدق و حصول اطمینان از امکان اتکاء به ۵۳ نماینده در مجلس برای تأمین حد تصاب قانونی [در خصوص رسمیت یافتن مجلس] در جهت اقدام شبه قانونی است (اس آی اس این نکته را در نظر دارد که ۲۰ نماینده ای که اکنون کنترلی بر آنها وجود ندارد باید خریداری شوند).

(۴) تازمائی که مصدق در قدرت باشد هیچ کمکی از ایالات متحده به ایران داده نخواهد شد.

(۵) مصدق باید برود.

(۶) کمک مالی ایالات متحده و بریتانیا به حکومت آینده داده خواهد شد.

(۷) پیشنهاد نفتی قابل قبولی ارائه خواهد شد اما حکومت آینده اجباری به پذیرش آن نخواهد داشت.

B- نزدیک شدن به نمایندگان از طریق گروه مأموران محلی اس آی اس صورت می گیرد. سیاهر جالازم باشد بر نمایندگان مجلس فشار می آورد و با تأمین بخشی از هزینه مالی به کمک خواهد آمد.

(b) در خواستها از شاه:

(۱) شما باید در کار سرنگونی مصدق، رهبری را بر عهده بگیرید.

(۲) در غیر این صورت مسئولیت فروپاشی کشور را بپذیرید.

IV- روابط با رهبران مذهبی:

رهبران مذهبی باید:

A- ناخشنودی خود از مصدق را بطور گسترده اظهار کنند.

B- اگر لازم آید، تظاهرات سیاسی تحت پوشش مذهبی برگزار کنند.

C- تکیه گاه شاه را تقویت کنند.

D- پس از کودتا از طریق رادیو و در مساجد اظهار اطمینان کنند که حکومت جدید به اصول اسلامی پایبند خواهد بود.

E- [این قسمت حذف شده است] باید تشویق شوند که نمایندگان طرفدار مصدق را به اقدام مستقیم تهدید کنند.

(۳) اگر چنین نشود [پذیرش گزینه نخست]، خاندان شاهی سقوط خواهد کرد و حمایت ایالات متحده و بریتانیا از شما متوقف خواهد شد.

(۴) می خواهید چه کسی ریاست حکومت آینده را به دست گیرد؟ (تلاش شود شاه به سمتی سوق یابد که نام زاهدی را ببرد).

(۵) به وی هشدار داده شود که در باره این پیشنهاد با کسی صحبت نکند.

(۶) در مورد طرح عملیات با استفاده از زاهدی، با شما نیز مشورت خواهد شد.

II- توافق با زاهدی:

A- پس از توافق با شاه به ترتیب بالا، به اطلاع زاهدی می رسد که با پشتیبانی ایالات متحده و بریتانیا بعنوان رئیس حکومت آینده برگزیده شده است.

B- توافق بر سر طرحی مشخص و برنامه زمان بندی شده برای اقدام. دوره برای به قدرت رساندن زاهدی وجود دارد:

۱- شبه قانونی به این صورت که شاه با صدور فرمان سلطنتی زاهدی را بعنوان نخست وزیر معرفی کند.

A- بازداشت دست کم ۱۰۰ نفر از رهبران حزب توده و جبهه ملی.

B- در اختیار گرفتن جنوب تهران برای جلوگیری از راه افتادن تظاهرات حزب توده.

C- از طریق شبنامه ها به اعضای توده هشدار داده

۲- کودتای نظامی.

در ابتدا باید شیوه شبه قانونی آزمایش شود. اگر موفق بود دست کم بخشی از امکانات برای کودتای نظامی به اجرا گذاشته شود. اگر این کار با شکست

شود که دست به کاری نزنند.

VII- برنامه‌های مطبوعاتی و تبلیغاتی:

A- پیش از کودتا تبلیغات ضد مصدق شدت یابد.

B- زاهدی باید به سرعت سرپرست کارایی برای امور مطبوعاتی و تبلیغاتی دولت منصوب کند که بتواند:

۱- همه گزارش‌های خارجی را خلاصه برداری کند.

۲- بیانیتهای رسمی از پیش آماده شده ایالات متحده و بریتانیا را منتشر کند.

۳- از رادیو تهران به بهترین وجه استفاده کند.

VIII- روابط با ایلات:

A- کودتا و اکنش گروههای ایلی بختیاری، لر، کرد، بلوچ، ذوالفقاری، ممسنی، بویراحمدی و خمسه را بر نخواهد انگیخت.

B- مشکل عمده، بی طرف کردن رهبران ایلی قشقایی است.

IX- ساز و کارهای سرنگون کردن شبه قانونی:

A- در حال حاضر طرح باصطلاح... [این قسمت لاک گرفته شده است] بیش از همه مورد توجه است که بر پایه آن انبوه تظاهر کنندگان به نام مذهب در محوطه مجلس متحصن می شوند. کسانی که تجار بازار آنها را گرد می آورند، همچنین گروه‌های تحت اختیار اس‌آ‌اس که شمارشان به ۴۰۰۰ نفر می رسد و نفرات اضافی که بوسیله سیا فراهم می آیند، به این جمع می پیوندند.

B- در سطح گسترده تبلیغ خواهد شد که این حرکت بست نشستن بر پایه دوز مینه نارضایتی عمومی از حکومت مصدق به شرح زیر صورت می گیرد:

۱- نخست اینکه به گواهی پیوندهای کاملاً آشکار مصدق با حزب توده و نیز با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، حکومت مصدق اساساً ضد مذهب است. درست پیش از این حرکت، اسنادی ساختگی را که نشان دهنده توافق محرمانه میان مصدق و حزب توده است در گسترده ترین سطح منتشر می شود.

۲- دوم اینکه مصدق با دیکتاتوری خود، کشور را به سوی ورشکستگی کامل سوق می دهد. درست پیش از حرکتی در بالا به آن اشاره شد، سیا اسناد و

مدارک حاکی از انتشار غیر قانونی اسکناس را در گسترده ترین سطح پخش می کند. سیا احتمالاً توانایی چاپ انبوهی اسکناس را که بسیار خوب از روی پول ایران جعل شده باشد دارد. با شروع تبلیغات می توان آنها را تجدید چاپ کرد.

C- بست نشینی مذهبی باید در بامداد روز کودتا صورت گیرد. بلافاصله پس از آن مجلس برای استیضاح حکومت اقدام می کند. در پی این اقدام، مصدق باید بر کنار و زاهدی به جای او منصوب گردد. اگر این کار با موفقیت پیش برود، کودتا در بعد از ظهر تکمیل خواهد شد. چنانچه موفقیتی به دست نیاید، کودتا باید متعاقباً در همان شب به اجرا گذاشته شود.



نسخه «لندن» از طرح عملیات تی پی ای جکس

ضمیمه B

I- مقدمه

سیاست ایالات متحده و بریتانیا هر دو ایجاب می کند که برای جلوگیری از ورشکستگی بی چون و چرای اقتصادی ایران و در نهایت از دست رفتن منطقه و قرار گرفتن آن در مدار شوروی، مصدق بر کنار شود. تنها از طریق يك طرح جایگزینی سنجیده و مهار شده می توان یکپارچگی و استقلال این کشور را تضمین کرد.

در حال حاضر تیمسار زاهدی تنها شخصیتی در ایران است که توانایی رهبری حکومت جدید را دارد و برای سرکوب نفوذ شوروی- کمونیست‌ها و همچنین اجرای اصلاحات اساسی می توان روی او حساب کرد.

طرح، چنان که در پی می آید، از سه مرحله پی در پی تشکیل شده است. دو مرحله اول باید قبل از اقدام نظامی تحقق یابد. این دو شامل دوره حمایت مقدماتی کنونی و مبارزه گسترده تبلیغاتی است (به بندهای زیر نگاه کنید). این دو مرحله حتی اگر اقدام نهایی نظامی هم صورت نگیرد، برای منافع دو جانبه ایالات متحده و بریتانیا ارزش واقعی دارد زیرا موقعیت مصدق را هر چه بیشتر تضعیف و متزلزل خواهد کرد.

کل هزینه برآورد شده برای اجرای این طرح چیزی معادل ۲۸۵۰۰۰ دلار است که ۱۴۷۵۰۰

دلار آن را ایالات متحده و ۱۳۷۵۰۰ دلار باقی را بریتانیا تأمین خواهند کرد.

طرح عملیات

حمایت مقدماتی از مخالفان حکومت مصدق برای يك دوره چند ماهه، پایگاه عملیاتی ایالات متحده و گروه انگلیسی (برادران رشیدیان) در تماس نزدیک باز اهدی بوده اند. گروه انگلیسی مبلغی معادل ۵۰۰۰۰ دلار (برابر چهار تا پنج میلیون ریال) برای این حمایت تأمین کرده است.

در خلال این دوره مقدماتی که از اول ژوئن ۱۹۵۳ (۱۱ خرداد ۱۳۳۲) آغاز می شود و حداکثر تا دو ماه پس از آن ادامه می یابد، ایالات متحده باید ۳۵۰۰۰ دلار و بریتانیا معادل ۲۵۰۰۰ دلار تأمین کنند. پرداخت های اولیه از این محل قبلاً از طریق پایگاه عملیاتی ایالات متحده صورت گرفته است.

ادامه پرداخت سهم بریتانیا به منظور هایی که بریتانیا یا پایگاه عملیاتی ایالات متحده از طرف بریتانیا تعیین می کنند از طریق مجاری کنونی صورت خواهد گرفت.

سهم ایالات متحده از طریق تماس های مستقیم پایگاه عملیاتی ایالات متحده، با هدف مشخص یعنی افزایش و تقویت ارتباطات نظامی و سیاسی زاهدی پرداخت می شود.

در آغاز این دوره، زاهدی از این پشتیبانی دو سوویه و قصد مشترک که باید به حمایت حتی بیشتری بینجامد کاملاً مطلع خواهد شد. در خلال این مدت باید کماکان به حلقه رابط های زاهدی تلقین شود که شاه با تخصیص منابع از او پشتیبانی می کند.

هماهنگی فعالیت های پایگاه عملیاتی بریتانیا و ایالات متحده برای اجرای طرح باید از طریق تماس مستقیم میان مأموران ایالات متحده و گروه بریتانیا صورت پذیرد. مأموران ایالات متحده به نمایندگی از بریتانیا باید بیش از آنچه در حال حاضر صورت می گیرد با تکیه بر دستور العمل ها و در قالب يك زنجیره ارتباطات امن عمل کنند. باید اقدامات مناسب به عمل آید تا اطمینان حاصل شود که سیاست های آشکار ایالات متحده تا سر حد امکان با هدف این طرح مطابقت دارد.

نقش شاه بعنوان نقطه کانونی مخالفت

این طرح بر اساس این فرض استوار است که همکاری شاه به دست خواهد آمد. چنین همکاری بهترین امکان موفقیت را برای يك کودتای نظامی فراهم می آورد. با این حال، در صورت عدم مشارکت داوطلبانه شاه در این طرح، باز عملیاتی از این دست پیش بینی شده است. شاه برای ایفای نقش خود نیازمند آمادگی ویژه ای است. وی که طبعاً موجودی بی اراده و دودل و گرفتار تردیدها و هراس های مبهم است، باید وادار به اجرای نقشش شود، و این نقش مستلزم اندکی تأیید است و باید در مدت هر چه کوتاهتر عملی شود.

از دید ما شاهدخت اشرف، همزاد پر قدرت و دسیسه باز شاه، کسی است که به بیشترین احتمال می تواند شاه را وادار به ایفای نقشش کند. اطمینان داریم که اشرف مشتاقانه برای زمینه سازی سقوط مصدق همکاری خواهد کرد. بنابراین باید در اقامتگاه کنونی اشرف به دیدارش رفت، مأموریت را به وی تفهیم کرد و به ایران بازش گرداند. تماس میان اشرف و پایگاه عملیاتی ایالات متحده باید حفظ شود.

نقش شاه باید در سه مرحله به اجرا در آید و اشرف او را پیش از آغاز هر مرحله آماده خواهد کرد. اولین مرحله این خواهد بود که شاه متقاعد شود ایالات متحده و بریتانیا هدف مشترکی در ایران دارند، و در همان حال سعی شود ترس بیماری گونه اش از «دست پنهان انگلیس» بر طرف گردد؛ مرحله دوم این خواهد بود که مشخصاً به اطلاع وی برسد که در آینده نزدیک برای او چه در نظر گرفته شده است. سومین مرحله این خواهد بود که قول های مشخصی از او گرفته شود. این سه مرحله به تفصیل در زیر آمده است:

۱- مرحله اول:

با توصیه قبلی شاهدخت اشرف، رهبر گروه بریتانیا به ملاقات شاه خواهد رفت تا وی را مطمئن سازد که ایالات متحده و بریتانیا اهداف مشترکی در قبال ایران دارند و نیز اینکه هر دو می خواهند در مخالفت با مصدق تا بیشترین حد ممکن از او پشتیبانی کنند. رهبر گروه بریتانیا به شاه خواهد گفت که او (رهبر گروه) در موقعیتی است که ثابت

قسمت دوم حاوی این نکات است:

a- شاه اکنون و نیز در آینده قطعاً نقطه کانونی همه نیروهای مخالف مصدق خواهد بود.

b- اگر شاه از همگامی با این نیروها کوتاهی کند، به تنهایی مسئول سقوط کشور و از دست رفتن استقلال آن خواهد بود.

c- اگر شاه نخواهد همکاری کند، دودمانش ناگزیر بزودی به پایان خط خواهد رسید. برخلاف سوء برداشت‌های پیشین شاه، ایالات متحده و بریتانیا چه در گذشته و چه اکنون از او حمایت می‌کنند اما اگر اکنون شاه قصور ورزد این حمایت قطع خواهد شد. فرستاده، معنای تلویحی این امر را بیان خواهد کرد.

d- شاه اظهار داشته که زاهدی را بعنوان جانشین مصدق می‌پذیرد. از این گذشته، شاه خواسته است که بودجه حمایت از زاهدی که بوسیله ایالات متحده و بریتانیا تأمین شده به نام او تبلیغ گردد.

e- حکومت‌های ایالات متحده و بریتانیا کاملاً موافقت دارند که زاهدی تنها نامزد بانفوذ است. زاهدی باید برای به دست گرفتن قدرت در آینده نزدیک آماده شود و از کمک ایالات متحده و بریتانیا برای نیل به موفقیت از هر راه ممکن برخوردار باشد. شاه کاملاً در جریان نقشه‌های زاهدی و حداقل اقدامی که باید انجام دهد قرار می‌گیرد. در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از ملاقات فرستاده ایالات متحده با شاه، رهبر گروه بریتانیا هم دیدار مشابهی با شاه خواهد داشت تا اظهارات بالا را مورد تأکید قرار دهد.

۳- مرحله سوم:

این مرحله منحصرأ با مسؤولیت شاهدخت اشرف به اجرا درمی‌آید. بی‌درنگ پس از ملاقات‌های یاد شده در بالا و هنگامی که شاه هنوز تحت تأثیر آنهاست، اشرف امضای او را بر سه سند می‌گیرد. اولین سند تاریخ‌دار و دومی و سومی بی‌تاریخ خواهد بود. اینها عبارت خواهند بود از:

a- نامه سرگشاده خطاب به همه افسران وفادار که با حامل نامه در هر تلاشی که او برای اعاده حیثیت ارتش، بازگرداندن شأن و آبروی خودشان و نشان دادن وفاداریشان به شاه و کشور لازم می‌بیند همکاری کنند.

b- فرمان سلطنتی برای زاهدی بعنوان رئیس ستاد ارتش.

کند بریتانیایی‌ها از شاه پشتیبانی می‌کنند و اجازه دارد از جانب دولت بریتانیا اعلام نماید که هر کلام مهمی را که شاه از میان سخنان متعدد خود انتخاب کند متعاقباً به زبان فارسی از رادیو بی‌بی‌سی پخش خواهد شد.

۲- مرحله دوم:

با اعلام پیشاپیش موضوع از طرف شاهدخت اشرف، ژنرال شوار تسکف (رئیس پیشین هیأت نظامی ایالات متحده در ژاندار مری ایران) بعنوان فرستاده ویژه ایالات متحده به شاه معرفی می‌شود. این فرستاده را شاه از قبل کاملاً می‌شناسد و بخاطر مأموریت موفقیت آمیزش در ایران در چند سال پیش از او تعریف و تمجید کرده است.

مطالبی که او باید به شاه خاطر نشان سازد شامل دو قسمت است: قسمت اول نکات زیر را دربرمی‌گیرد:

a- هر دو حکومت در این زمان موضوع نفت را در درجه دوم اهمیت می‌دانند زیرا مسأله اصلی این است که دو حکومت مصممند استقلال ایران را حفظ کنند. هر دو حکومت اکنون بر آنند کمک کنند که ایرانیان به یاری خویش بشتابند تا کشورشان را از افتادن به دامن شوروی نجات دهند. اگر مصدق همچنان بر سریر قدرت باقی بماند، فروپاشی اقتصادی حتمی است و از آنجا که مصدق اجازه نفوذ گسترده کمونیست‌ها را می‌دهد فروپاشی اقتصادی به قبضه شدن کشور به دست کمونیست‌ها خواهد انجامید.

b- هر دو حکومت احساس می‌کنند که بقای خاندان پهلوی بهترین سپر محافظ حاکمیت ملی است.

c- تازمانی که مصدق قدرت را در دست داشته باشد، ایران هیچ‌گونه کمک مالی جدیدی از ایالات متحده دریافت نخواهد کرد و کمک فعلی نیز در واقع ممکن است قطع شود.

d- مصدق باید برود.

e- جانشین او از طریق همان نیروهایی که وی را به قدرت می‌رسانند از پشتیبانی نیرومند هر دو حکومت برخوردار خواهد شد.

f- یک پیشنهاد نفتی قابل قبول ارائه خواهد شد، اما تعجیلی در کار نیست و قصد تحمیل آن به کشور نیز وجود ندارد.

C - فرمان سلطنتی که در آن از همه رده‌های ارتش خواسته می‌شود دستورهای رئیس ستاد ارتش را که شاه نام برده است صادفانه اجرا کنند.

این اسناد فوراً از کاخ بیرون برده می‌شود؛ اولی به زاهدی داده می‌شود و دو سند دیگر در پایگاه ایالات متحده باقی می‌ماند تا زمان نیاز فرا رسد.

پس از اقدام به صدور این اسناد، شاه ممکن است مدتی هیجان زده باشد. دیر یا زود سر به جیب تفکر فرو می‌برد و دچار تردید می‌شود. در این هنگام باید او را از پایتخت دور کرد و به نوعی سفر تفریحی برد. او ترجیحاً زیارت مشهد را انتخاب خواهد کرد. او در حرم باقی خواهد ماند تا زاهدی زمام را به دست گیرد و تنها برای تأیید رسمی نخست‌وزیر جدید به پایتخت باز خواهد گشت.

توافق بازاهدی

تماس‌های مستمر مأموران ایالات متحده و عوامل بریتانیا بازاهدی یا نمایندگان او سبب شده که تصویر نقشه‌های آزمایشی او و آن دسته عواملی که از آنها انتظار حمایت دارد هر چه بیشتر روشن شود و مورد کنکاش قرار گیرد. از این موارد گزارش‌های اطلاعاتی مربوط به آن، در آماده‌سازی بندهای بعدی که با عنوان «سازمان برای اجرای کودتا» در پی خواهد آمد و موارد تکمیلی در بخش ضمیمه استفاده شده است.

به دنبال تماس‌های مرحله‌ای با شاه چنان که در بالا گفته شد، ایالات متحده و بریتانیا مستقیماً به اطلاع زاهدی خواهند رساند که دو حکومت از طرف شاه، پایبندی را سخوی را در حمایت از او تضمین می‌کنند و این که زمان مناسب برای پرداختن به طرح تفصیلی فرارسیده است.

نامه با امضای شاه که در آن از افسران وفادار خواسته شده با حامل نامه همکاری کنند به تیمسار زاهدی داده خواهد شد. به او توصیه خواهد شد که با کمک این نامه هم‌دستان نظامی اش را به خدمت گیرد. طرح پیشنهادی ایالات متحده و بریتانیا برای اقدام با نام «سازمان برای سرنگونی مصدق» نیز به رؤیت زاهدی رسانده خواهد شد و با وی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. زاهدی این امکان را

دارد که در صورت ضرورت بر حسب خواسته‌ها یا توانایی‌هایش بر این طرح چیزی بیفزاید یا آن را اصلاح کند. به زاهدی خاطر نشان خواهد شد که پیش از زمان کودتا این طرح از حمایت پنهانی و کاملاً هماهنگ ایالات متحده و بریتانیا برخوردار است. همه عوامل بالقوه مخالف مصدق به کار گرفته خواهد شد تا در روز کودتا بتوان حکومت مصدق را با ابزارهای قانونی سرنگون کرد. به زاهدی خاطر نشان خواهد شد که برای حیثیت و آبروی حکومت آینده بهتر است اقدام نظامی محدود به مهر کردن شهر شود و این کار هم‌زمان با این موفقیت قانونی صورت پذیرد.

به هر حال، اگر شاه نخواهد با فرستاده ایالات متحده کنار آید یا از صدور اسناد برای زاهدی خودداری کند، به اطلاع زاهدی خواهد رسید که در صورت موافقت او، ایالات متحده و بریتانیا آماده‌اند بدون همکاری مؤثر شاه طرح را پیش ببرند. ما به همه تلاش‌هایمان ادامه خواهیم داد تا شاه را به صورت غیر داوطلبانه هم که شده با خود همگام کنیم و به این ترتیب امیدواریم به همان نتیجه‌ای که از مشارکت فعال او انتظار داریم برسیم.

سازمان برای سرنگون سازی

اطلاعاتی که در زیر این عنوان می‌آید از سوی پایگاه عملیاتی ایالات متحده به زاهدی داده خواهد شد تا مورد بحث قرار گیرد و جرح و تعدیل شود. در سر فصل‌های این قسمت عوامل موجود از این قسمت تا پایان ضمیمه B همچنان محرمانه مانده است. [

ضمیمه C

یادداشت وزارت خارجه بریتانیا به تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۳ [اول مرداد ۱۳۳۲] از سفیر بریتانیا به اسمیت معاون وزیر خارجه آمریکا

اطلاعات امنیتی محرمانه

دولت علیاحضرت ملکه دیدگاه‌های وزارت خارجه [ایالات متحده] را بدان گونه که در گزارش مربوط به مذاکرات آقای بایرود Byroade و

ضمیمه E

ارزیابی نظامی

درس‌هایی از تی پی ای جکس
درباره ابعاد طراحی نظامی کودتا

I- مسأله برآورد نیروها

A - اگر سیبا بخواهد يك حکومت دشمن را با به کار گرفتن نیروهای مسلح برضد آن حکومت براندازد، سیبا باید نیروهای دوست را شناسایی کند، با آنها تماس برقرار کند و به گونه موفقیّت آمیز آنها را به خدمت گیرد.

B - تصمیم به راه اندازی يك کودتای نظامی تنها زمانی باید گرفته شود که معلوم گردد نیروهای بالقوه مفید موجود است. در این ارزیابی باید میان «سیاهی لشکر» و «فعالان» تمیز قایل شد. به هنگام ارزیابی امکانات بالقوه، تجربه نشان داده است که داشتن اطلاعات هر چه دقیق تر از زندگی یکایک افراد نظامی اعم از دشمنان احتمالی و نیز دوستان که حضورشان ممکن است بر مسئله اثر گذار باشد، حیاتی است.

C - گرد آوردن اطلاعات زندگی نامه ای در مدت زمان کوتاه ممکن نیست. این اطلاعات باید بطور مستمر گزارش شود و دربرگیرنده همه چیزهای شناخته شده، و لو پیش پا افتاده، درباره یکایک افسران باشد. وابسته های نظامی کانال های معمولی برای این گزارش ها هستند ولی درجایی که گروه های مستشاری نظامی کمکی باشند، بهترین منبع این گونه اطلاعات به شمار می روند، زیرا به هنگام کار و تفریح در کنار افسران بومی هستند. تجربه ما نشان می دهد که بر این نکته ضروری تأکید بسیار اندکی می شود؛ اغلب در پرونده های افسران تنها اشارات کوتاهی به مناصب، ترفیعات و نشان های آنها شده است و از همه خصوصیات که می تواند نشان دهنده يك افسر واقعاً کیست، چه چیز او را برمی انگیزد، دوستان او چه کسانی هستند و غیره غفلت شده است.

D - پرونده های زندگی افراد در نزد کارگزاران سیبا مستقر در نیروهای مسلح کاملتر است ولی این کارگزاران اغلب در بخش های G-2 و در میان دیگر ستادها یافت می شوند نه در میان فرماندهان رزمی.

E - با فرض اینکه اطلاعات درباره زندگی نظامیان و انگیزه های آنها به اندازه کافی وجود دارد،

آقای بیلی Bealey در هفتم ژوئیه [۱۶ تیر] آمده مورد ملاحظه قرار داده و با آنها بسیار موافق است.

نکته مهم این است که مسأله غرامت یکسره باید به داور بی طرفانه يك دادگاه بین المللی واگذار شود. از این گذشته، شرایط هر گونه ترتیبات آتی باید به گونه ای باشد که به نظر نرسد برای زیر پا گذاشتن تعهدات قراردادی یا برهم زدن الگوی قیمت های جهانی نفت جایزه داده می شود. بر این اساس دولت علیاحضرت آماده هر گونه کمک برای حل شدن مسئله و ارائه يك موافقتنامه می باشد. این دولت همچنین متقاعد شده است که شرکت [نفت انگلیس و ایران]، که تاکنون مورد مشورت قرار نگرفته است، درباره شیوه ها و مدت پرداخت غرامتی که باید پرداخت شود موضع سخاوتمندانه ای اتخاذ خواهد کرد.

بنابر این پاسخ پرسش های خاصی که در گزارش سفارت [مادر] و اوشینگتن مطرح شده است به شرح زیر است:

(a) گوجه امتیازی خواهد بود که نفت بار دیگر به بازارهای سنتی خود (یعنی بریتانیا) جریان یابد، ولی بریتانیایی تواند بدون این نفت هم گذران زندگی کند. به هر حال دولت علیاحضرت مشتاق است اختلافی که روابطش را با کشور مورد نظر [ایران] مسموم ساخته و به عامل آشوب در کل منطقه تبدیل شده است حل و فصل گردد. بنابر این دولت علیاحضرت آماده است با حکومت جدید [ایران] همکاری کند مشروط بر اینکه اصول مورد اشاره در بند ۲ بالا تأمین گردد.

(b) برداشت دولت علیاحضرت از مفاد این طرح چنین است که ابتکار عمل در دو موضوع زیر به نخست وزیر آینده واگذار می شود: نخست اولویت يك موافقتنامه نفتی در ارتباط با برنامه کلی او، و دیگر در خصوص ماهیت این موافقتنامه. دولت علیاحضرت امیدوار است او [زاهدی] بپذیرد که با دید مساعد به پیشنهادهای فوریه بنگر دو بی گمان این پیشنهادهای می تواند وی را در تهیه يك موافقتنامه کمک کند. چنانچه او هر گونه پیشنهادی داشته باشد، دولت علیاحضرت آن را با حسن نیت مشابه مورد توجه قرار خواهد داد ولی همه اینها مشروط به تضمین اصول گفته شده در بالا است.

وظیفه بعدی ما این است که شخصیت هر فرد نظامی مورد نظر را دقیقاً بررسی کنیم. ارزیابی افسران باید با شناخت دقیق و در نظر گرفتن سنت‌های خدمت نظامی در محل صورت پذیرد. برای مثال، ارتش در ایران دارای پیشینه شکست در دوران معاصر است. افسر ایرانی معمولاً غیر مصمم است و خود کم‌بینی را با های و هوی و سخنان پرطمطراق می‌پوشاند. بنابراین پیدا کردن رهبرانی که آماده باشند رهبری کنند و بمیرند کاری است بسیار دشوار. شاید شاه نمونه خوبی از یک افسر نوعی ایرانی باشد؛ ضعف‌های او یکسره در میان گروه افسرانش دیده می‌شود.

از سوی دیگر، یک رهبر واقعی در ارتش به اندازه هموزنش طلا می‌ارزد، چرا که در واقع چنین کسی در ایران بیش از هر کشور دیگری که در آن رشادت را بعنوان یک سنت پاس می‌دارند، ارزشمند است.

F- پس از آنکه ارزیابی شخصی افسران تکمیل شد، سیاست افسران خوب و بد را از میان همه دسته‌ها و گروه‌ها شناسایی خواهد کرد. در اینجا باید انگیزه‌های سیاسی و میهنی را تا جایی که ممکن است خوب ارزیابی کرد. در ارزیابی افسران محیط سیاسی باید در نظر گرفته شود و چه بسا با عملیاتی غیر نظامی (KUGOWN) شرایطی ایجاد شود که انگیزه‌هایی تقویت یا تضعیف گردد و به این ترتیب امکانات بالقوه‌ای که در زمان ارزیابی موجود نبوده به وجود آید.

G- احساس دوستی نسبت به «جهان آزاد»، «ایالات متحده»، «ملل متحد»، «استعمار سفید» و بسیاری دیگر از انگیزه‌های سیاسی در همه کشورها یافت می‌شود. در ایران، سیاستمداران در یافته‌ها که افسران بطور کلی «طرفدار شاه»، «طرفدار مصدق»، یا «بی‌طرف» هستند. شدت انگیزه‌های سیاسی افراد در هر مورد متفاوت است و اغلب در مقایسه با انگیزه‌های شخصی همچون جاه‌طلبی، حسادت، دلخوری افسران جوان از افسران سالخورده و برعکس اهمیت کمتری دارد. هیچ پیشینه‌ای از انقلاب‌های نظامی وجود ندارد، ولی رضا شاه با استفاده از موقعیت نظامی بعنوان یک سکوی پرش مهار حکومت را به دست گرفت. با وجود این، انگیزه سیاسی افسران و انگیزه‌های شخصی در درون محیط سیاسی عواملی بوده و هست که باید در

ارزیابی افراد نظامی مورد توجه قرار گیرد.

H- ارزیابی فرمانده کل قوا یعنی شاه که رئیس کشور نیز هست به همین اندازه اهمیت دارد. ارزیابی شاه بعنوان فرمانده کل باید از نظر نظامی ناظر به مواردی از جمله عمق نفوذ او، توانمندی فرماندهی و شجاعت در مواقع خطر باشد. فایده وجود او بعنوان نقطه کانونی یا نقطه پیوندی که افراد و گروه‌های نظامی ممکن است در پیرامون آن گرد آیند باید مورد ارزیابی قرار گیرد. بی آنکه دلیلی ذکر کنیم، ارزیابی ما از کار آمد بودن او در این زمینه‌ها مثبت بوده است:

۱- رئیس دولت برای برکنار کردن حکومت مخالف.

۲- فرمانده کل قوا بعنوان نماد یکپارچگی.

ارزیابی مادرزمینه زیر منفی بوده است:

۱- فرمانده کل قوا بعنوان برنامهریز و شرکت کننده در اقدام نظامی.

I- از ارزیابی شاه که بگذریم، ما به این نتیجه رسیده‌ایم که می‌توان از او بعنوان یک نماد برای تحریک افراد مهم نظامی به اقدام استفاده کرد.

J- ارزیابی یکایک افراد نظامی ما را به این نتیجه رسانده که به دلایل زیر سر لشگر زاهدی مناسب‌ترین افسر موجود برای رهبری نیروها به نفع شاه در مقابل حکومت مخالف است:

۱- او تنها کسی در ایران است که آشکارا برای رسیدن به نخست‌وزیری تلاش می‌کند.

۲- به این ترتیب او شهادت بی‌مانندی در این کار از خود نشان می‌دهد.

۳- او شجاعت خود را در گذشته نشان داده است، زیرا بعنوان سربازی ۲۵ ساله به پاس رهبری جنگ با بلشویک‌ها به درجه سرتیپی نایل آمده است.

۴- یک پزشک آمریکایی زندگی او را که چهار دنده‌اش بکلی از بین رفته بوده نجات داده است.

۵- او به طرفداری از آمریکا مشهور است و به پسرش اردشیر اجازه داده به مدت شش سال در ایالات متحده درس بخواند. او یک سر لشگر و مورد احترام بسیاری از افسران ارشد و جز است.

۶- ویژگی‌های منفی او عبارت است از:

a- برای چند سال از ارتش کناره گرفته و افسران جوان رانمی‌شناسد.

b- در برخی محافل بعنوان فردی پولکی شناخته

کرد نه شاه را (۱). اما از نظر نظامی، سر تیپ ریاحی چند نقطه ضعف داشت. نمی توانستیم مطمئن باشیم، ولی دلایلی برای امیدواری بود که اگر زمان آزمایش قدرت نظامی فرابرسد، فقدان تجربه فرماندهی و رزمی ریاحی اهمیت خود را بروز خواهد داد. ما شکی در شجاعت و صداقت او نداشتیم. بی بردیم که او با سه تن از اعضای برجسته حزب طرفدار مصدق به نام ایرانیان زندگی می کند و نیز اینکه در واقع یک جناح طرفدار مصدق را در درون ارتش رهبری می کند. او و بیشتر کارکنان ستادش در فرانسه آموزش دیده و در کارهای ستادی بسیار دقیق و موشکاف اما در زمینه رزمی بسیار بی تجربه بودند.

O - هنگامی که پایگاه فرستادن گزارش حاوی اطلاعات در مورد فرماندهان تیپها و معاوضان، فرماندهان هنگها و گردانها در تهران و دیگر نقاط ایران را آغاز کرد، توانستیم اوضاع را با شفافیت بیشتری ارزیابی کنیم. معلوم شد که ضرورت دارد بیشتر فرماندهان تیپها دستگیر یا برکنار شوند و امکانات عملیاتی بیشتر در رده های پایین تر آن سلسله مراتب فرماندهی افزایش یابد. بعدها ثابت شد که این ارزیابی درست بوده و موجب صرفه جویی زیادی از حیث زمانی شده و از نظر امنیتی نیز ما را از آسیب مصون داشته است. به علت نیاز همه جانبه به امنیت شدید، از ابتدا ضروری دیدیم که فقط به افرادی نزدیک شویم و آنها را به کار گیریم که با آنها بخوبی بتوانیم روی امکان موفقیت حساب کنیم.

P - از همه آنچه در بالا گفته شد به سادگی می توان فهمید که داشتن اطلاعات دقیق و همه جانبه از زندگی افراد برای موفقیت هر گونه عملیاتی که متضمن استفاده گسترده از نیروهای نظامی باشد چقدر حیاتی است. اشتباه در ارزیابی یک افسر به سادگی منجر به شکست خواهد شد و پیروزی بر همین پاشنه می چرخد.

II - A . اطلاعات نظامی بعنوان پایه ای برای اقدام به منظور سرنگون کردن حکومت های مخالف:

۱- کارمندان شبه نظامی در هر پایگاهی که احتمالاً اقدام انقلابی مورد نیاز است باید یک نقشه جنگی در اختیار داشته باشند. نقشه ها باید به هر مقیاس ممکن که مورد استفاده باشد تهیه شود.

می شود. توانمندی او برای رهبری کودتا ناشناخته است؛ هرگز خود را بعنوان افسر ستاد نشان نداده، بلکه بیشتر بعنوان فرمانده شناسانده است.

C - بیشتر دوستانش از غیر نظامیان و تنها معدودی از آنان افسران ارتش هستند. [این قسمت سند لاک گرفته شده است].

L - کار ارزیابی دقیق فرماندهان نیروهای صف در پادگان تهران رانمی شد و واشینگتن پیش برد مگر آنکه رهنمودهای اطلاعاتی از پایگاه عملیاتی در اختیار گذاشته شود. برای مثال، سرفرماندهی ها نام هیچ یک از فرماندهان تیپ در تهران رانمی دانستند و با نهایت شگفتی جی ۲ در پنتاگون [وزارت دفاع آمریکا] هم نمی دانست؛ سرفرماندهی ها و جی ۲ در پنتاگون هیچ یک هیچ ایده ای در خصوص چگونگی نبرد در ایران نداشتند. بنابراین پیش از آن که ارزیابی دقیقی از فرماندهان رزمی انجام شود، پایگاه تهران می بایست اطلاعات نظامی را که وابسته های نظامی روزانه گردآوری کرده بودند به سرفرماندهی ها گزارش می داد.

M - هنگامی که ارزیابی یکایک افسران در سرفرماندهی ها صورت می گرفت، وزارت خارجه تصمیم اصلی را برای واژگون کردن مصدق به هر روش ممکن گرفته بود. بدون داشتن حتی فهرستی از افسران و وظایف آنها و بدون هر گونه شناختی از امکانات عملیاتی افسرانی که در مقام فرماندهی بودند، این تصمیم هیچ تصویر روشنی از وضع نظامی در ایران به ما نمی داد. بنابراین سرعت حرکت در همه مراحل اقدام نظامی ایجاب می کرد که ارزیابیها و اخذ تصمیمات بر پایه هایی بس نامطمئن تر انجام گیرد، که البته در غیر این صورت هم شدنی نمی بود.

N - ارزیابی ما از سر تیپ تقی ریاحی رئیس ستاد ارتش مصدق با دقت انجام شد. ما او را از نظر محیط فردی اش بطور کلی از جمله کسانی که با آنها زندگی می کرد، افرادی که از کار برکنار کرده بود، اشخاصی که بر سر کار آورده بود، آنان که به دور خودش گرد آورده بود و شخصیت هایی سیاسی که با آنان حشر و نشر داشت، مورد مطالعه قرار دادیم. (هیچ تردیدی نبود که مصدق رئیس ستاد ارتش خود را خیلی خوب انتخاب کرده است. (اطمینان داشتیم که ریاحی در یک نبرد سرنوشت ساز، مصدق را همراهی خواهد

ترتیب کامل نبرد باید بر پایه شناور باشد. وضع تدارکات از جمله مهمات، گاز و نایل و بنزین، پوشاک و تجهیزات و غیره باید تحت مراقبت بسیار دقیق باشد. وقتی تیبی برای هر نفر تنهاشش دور مهمات داشته باشد احتمالاً دیگر نیازی به فرستادن آن تیب برای مقابله با حکومت مخالف نیست.

۲- اقدامات دفاعی حکومت‌های مخالف، سخت باید تحت مراقبت قرار گیرد. در ایران، حکومت مصدق بیشتر وسایل حمل و نقل موتوری را در یک ایستگاه گردآورده بود؛ حکومت او فقط به تانک‌ها سوخت کافی می‌داد که با آن می‌توانستند یک ساعت کار کنند؛ تولید مهمات به حداقل رسیده بود؛ و از زاغه‌های مهمات سخت محافظت می‌شد. رمز مخبراتی برای ارتش ایران تنها سه هفته قبل از سرنگونی مصدق تغییر می‌کرد [ادامه این قسمت لاک گرفته شده است].

تیمسار ریاحی رئیس ستاد ارتش در دو زمان حساس همه افسران را در پادگان تهران گردآورده اشارات هیجان برانگیزی به میهن پرستی آنها کرد و آن را با حمایت از مصدق همانند دانست. به دستور وی فهرستی از پلاک‌های خود را و افسران تهیه شد و در برخی موارد برای آنان مراقب گذاشته شد تا تعقیبشان کنند. همچنین، برای نظارت بر منازل افسران دستگاه‌های شنود تلفنی نصب شد تا ببینند کدام افسر شبهارا خارج از منزل می‌گذراند.

B- همچنین لازم است همه تأسیسات نظامی که باید به تصرف در آید یا محافظت شود مورد مطالعه قرار گیرد. برای این منظور ضروری است نقشه‌های دقیقی از سرفرماندهی‌های مهم، مراکز ارتباطی مهم و غیره تهیه شود. مادر ابتدای عملیات تیبی‌ای جکس با استثنای چند بررسی خوب که برای کارشکنی در تأسیسات غیر نظامی صورت گرفته بود، هیچ‌یک از آن اطلاعات ضروری را نداشتیم.

C- در اقدامی از این دست، در اختیار گرفتن افراد و تأسیسات مهم غیر نظامی نیز باید پیشاپیش مورد توجه قرار گیرد. باید این امکان فراهم آید که بسیاری از منابع اطلاعاتی برای ارزیابی شخصیت‌های سیاسی فراخوانده شوند، ولی گردآوری اطلاعات درباره ویژگی‌های فیزیکی ادارات تلفن، ایستگاه‌های رادیو، فرودگاه‌ها و غیره زمانی تا اندازه

زیاد مؤثر می‌افتد که زیر نظر یک کارمند شبه نظامی انجام گیرد که بدانند به دنبال چیست؛ این بدان معنی نیست که یک افسر کارآمد اطلاعاتی نمی‌تواند این کار را انجام دهد، بلکه این است که رهنمودهای اطلاعاتی او باید با دقت مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

D- شرایط جوی ممکن است برای موفقیت [عملیات] کاملاً حیاتی باشد و دست کم باید از پیش بخوبی مورد توجه قرار گیرد. برای مثال اگر مه وجود داشته باشد، عوامل زمان و مسافت در برنامه‌ریزی ستادی ممکن است کاملاً مختل شود. در مورد باران و طوفان هم چنین است. مسأله شروع عملیات در روز یا در شب تصمیمی حیاتی است که باید بر حسب شرایط اتخاذ گردد. در جاهایی که مقررات منع رفت و آمد (حکومت نظامی) وجود داشته باشد، تحت تأثیر این واقعیت، شرایط ممکن است یکسره تغییر کند. در جاهای دیگر عادات مردم ممکن است از نظر نظامی اهمیت بسیار داشته باشد؛ برای مثال، استراحت در بعد از ظهر از جمله تعطیل شدن بیشتر مغازه‌ها در مناطق تجاری می‌تواند مهم باشد. همچنین روزی در هفته که روز مذهبی تلقی می‌شود و نیز تعطیلات مهم از نظر کارآمدی احتمالی باید مورد مطالعه قرار گیرد. روزهایی هم که گروه‌های مخالف را از کار می‌اندازد یا آنها را به نا کارآمدی سوق می‌دهد باید به دقت مطالعه شود؛ برای مثال آموزش واحدهای نظامی در برخی نواحی نوبتی است و می‌توان دریافت که یک واحد دشمن در روزی که احتمال عملیات وجود دارد از منطقه عملیات بیرون برده خواهد شد.

E- اطلاعات نظامی درباره بخش‌های جی-۱ می‌تواند بسیار مفید باشد. در برخی موارد می‌توان ترتیبی داد که افسرانی که از نظر مادر موقعیت‌های نامناسب قرار گرفته‌اند جایگزین یا جابجا شوند. جای گرفتن فرد مناسب در محل مناسب در زمان مناسب مهمترین عامل در همه عملیات نظامی است و در عملیاتی از این دست به هیچ وجه نباید از آن غفلت کرد.

F- اقداماتی که ممکن است بر ضد شما به عمل آید باید با دقت مورد توجه قرار گیرد و لازم است پیشاپیش و قبل از آنکه در واقع مؤثر افتد از این گونه اقدامات باخبر شوید. همچنین باید دانست که بخش‌های جی-۲ از راه‌های مختلف می‌تواند به کار

ساخت. این امر بویژه در مراحل اقدام ضرورت دارد.

J - مراقبت‌های امنیتی روز به روز ممکن است تغییر کند و باید اطلاعاتی جامع در این زمینه داشته باشیم. برای مثال تحت شرایط بسیار متزلزل نظامی لازم بود یکی از افسران همراه با یکی از مأموران ارشد ما پس از ساعات ممنوعیت رفت و آمد، با سرعت به شهرهایی که هشت و ده ساعت با پایتخت فاصله داشت سفر کنند. ما این توانایی را داشتیم که برای آنها اسناد جعلی درست کنیم و معلوم شد این کار برای موفقیت مأموریتشان ضرورت کامل داشته است.

K - اطلاعات مربوط به شبکه‌های رادیویی و تلگرافی در دسترس بسیار مهم است. در ایران نیروی هوایی، ژاندارمری، ارتش، راه آهن هر کدام یک شبکه رادیویی و شرکت نفت یک شبکه تلگرافی دارد. تعداد و بُرد شبکه‌های تلگرافی اغلب در هر کشور چندان معلوم نیست و به دلایل آشکار باید خیلی دقیق مورد مطالعه قرار گیرد. در یک مرحله از عملیات تی پی ای جکس ما از سیستم عمومی تلگرافی دولتی استفاده کردیم و عبارات ساده‌ای را برای مفاهیم عملیاتی به کار گرفتیم. سیستم‌های تلفنی ابزارهای ساده‌ای چه برای نیروهای دوست و چه برای نیروهای دشمن است که با هم تماس بگیرند و در مورد گستره اشراف اداره‌های مرکزی شنود باید اطلاعات کافی گردآوری شود و در صورت امکان کسانی که هدف شنود هستند شناسایی شوند. در ایران معلوم بود که حزب توده به درون سیستم مخابراتی حکومت نفوذ کرده است. با وجود این حقیقت ما به همان سیستم اعتماد کردیم زیرا در مقطعی همه وسایل ارتباطی از کار افتاده بود. ناامنی این کار معلوم بود اما تحت آن شرایط می‌بایست بدان دست بزنیم. مرکز مخابرات در دفتر رئیس ستاد ارتش یا مرکز مخابراتی که رئیس ستاد ارتش از آن استفاده می‌کند، مهمترین پایگاه مخابراتی است که در اختیار دشمن قرار دارد. اگر بتوان به این مرکز نفوذ کرد باید آن را خنثی کرد و ابزارهای ارتباطی دیگری برای نیروهای دوست به راه انداخت.

L - گردآوری اطلاعات گاهی در مواردی که سرهم کردن «بها» برای عملیات لازم می‌آید،

گرفته شود. می‌توانید از شیوه دادن اطلاعات انحرافی درباره وجود تحرکات نظامی به بخش‌های جی-۲، در جایی که این اطلاعات موجب هول و هراس در اردوی دشمن می‌شود، به خوبی استفاده کنید. در ایران این واقعیت که گروه‌های بسیاری از افسران مظنون به طراحی کودتا شده بودند کمک بسیاری به ما کرد. با شدت گرفتن تنش، این گونه گزارش‌ها افزایش یافت. گرچه اینها موجب هوشیاری حکومت دشمن می‌شد ولی در عین حال پوششی بود به سود فعالیت‌های ما و دوستانمان. طبیعی است که همه این مسائل باید تحت شرایط محلی مطالعه شود، ولی تجربه‌ما می‌تواند در جایی که شرایط مشابه وجود دارد تا اندازه‌ای مفید افتد.

G - این امکان نیز کاملاً وجود دارد که گروه‌های نظامی دیگری در حال شکل‌گیری باشند تا به نبرد با حکومت دشمن بپردازند؛ در این صورت باید بدانیم آنها که هستند و چه می‌خواهند بکنند. ممکن است لازم باشد در برخی از این گروه‌ها شکاف اندازه‌ایم یا اینکه با نیروهایمان آنها را به هم پیوند دهیم. در هر دو مورد کار ما باید با ظرفیت و بر اساس اطلاعات بسیار خوب انجام شود. نسبت به تحریک باید هوشیار بود و در مورد اقدامات جبرانی برای هنگامی که هر یک از دوستانمان به دام می‌افتد باید برنامه‌ریزی شود.

H - اطلاعات مربوط به دوستانمان شاید مهمترین چیزی است که باید گردآوری شود. بر آورد مستمر امنیتی خودمان برای تصمیم‌گیری جاری باید در کانون توجه ما باشد. در ایران، پس از یک ارزیابی بسیار سریع، در حالی که کاملاً به مخاطره‌انگیز بودن کاری که می‌کردیم واقف بودیم، سرهنگهای جوانی را جستیم و به خدمت گرفتیم؛ در همان حال، دست به تلاش زدیم تا اطلاعات هر چه بیشتری درباره این همکاران جدید کسب کنیم.

I - اگر بتوان عواملی را که قادر به مراقبت از اعمال دوستانمان باشند بطور محرمانه افزایش داد، در خواهیم یافت که این کار سخت مفید خواهد افتاد زیرا وضعیت نظامی می‌تواند به شدت متغیر گردد؛ به همین دلیل دانستن اینکه چه کسی زخمی یا دستگیر شده یا دو دوزه بازی می‌کند و غیره کاملاً حیاتی است. به هنگام بروز شکاف امنیتی، باید آمادگی دادن هشدار سریع را داشت، به گونه‌ای که بتوان به دیگر منابع دسترسی یافت و آنها را مطلع

اوست که نیروهای لازم برای بازداشت این افراد را معین کند. مأمور نظامی سیا و دفتر نظامی باید اهداف نظامی و غیر نظامی را که قرار است به دست نیروهای دوست از کار بیفتند یا تصرف شوند، تعیین کند.

G- در صورت امکان یک شبکه رادیویی سیا ویژه کودتا باید ایجاد شود تا مأمور عملیاتی سیا در محل را با دفتر نظامی، و این دفتر را به نوبه خود به سرفرماندهی ها و واحدهای فرماندهی نیروهای دوست مرتبط کند. در جایی که این کار عملی نباشد، باید به دیگر ابزارهای ارتباطی بیشتر توجه کرد. اما در همه احوال ابزارهای اصلی و متناوب ارتباطی میان این عوامل باید ایجاد شود.

H- بر نامه ریزی نظامی باید بر این اصل متکی باشد که برخی عوامل در درون نیروهای دوست مالو خواهند رفت و اینکه عملیات نباید بدین علت از هم بپاشد. بنابراین نشانه‌های خطر باید در نظر گرفته شود تا بسته به اینکه چه کسی یا چه واحدهایی نزد حکومت دشمن لورفته باشند، خودبخود حرکت از یک مرحله به مرحله دیگر اعلام شود.

I- بر نامه ریزان نظامی ما باید احتمال وقوع جنگ داخلی را بپذیرند و در طرح خود اقداماتی را برای چنین پیشامد احتمالی در نظر بگیرند. چنین احتمالی می تواند ضرورت ایجاد یک پایگاه امن برای حکومت دوست را مطرح کند. احتمالات و امکانات ناشی از جنگ داخلی تنها بر پایه تجزیه و تحلیل اوضاع در هر محل قابل دریافت است، ولی پیش بینی آنها دشوار نیست و حتماً باید برای آنها برنامه ریزی کرد.

J- در مورد ایجاد پایگاه‌های امن برای رابط‌های عملیاتی باید برنامه ریزی کرد و این طرح را پیش از آغاز فعالیت نیروهای دوست به اجرا در آورد. چند خانه یا پایگاه امن باید در نظر گرفته شود تا در صورتی که یک یا چند خانه امن از دست برود برای حفظ ارتباط با عوامل دوست مورد استفاده قرار گیرد. در مواردی هم که افراد سیاهمگی در داخل یک سفارت مستقر شده‌اند، شرایط عملیاتی ایجاب می کند که خانه‌ها و پایگاه‌های امن برقرار شود. این خانه‌های امن بهتر است به رادیو، تلفن مستقل یا بسته به اوضاع و احوال محل، به دیگر ابزارهای ارتباطی مجهز باشد. در مواقعی که نیاز به نگهداری پول، مهمات، جنگ افزار، پوشاک، غذا و اسناد باشد برای این

می تواند مفید باشد. نفوذهای خوب به درون حکومت دشمن ممکن است اقدام‌های انجام شده از سوی آن حکومت را که عموم مردم از آن آگاهی ندارند آشکار کند. در تلاش برای به خدمت گرفتن افراد، لازم است وقتی انگیزه کافی برای اقدام ندارد، آنها را برانگیزیم تا با نیروی خودشان کار کنند. [این قسمت لاک گرفته شده است.]

III- برنامه ریزی نظامی بعنوان پایه کودتا

A- دانش برنامه ریزی نظامی بیش از آن عمیق و مشهور است که در این نوشتار بگنجد. بدیهی است آن دسته افسرانی که مسؤلیت برنامه ریزی نظامی را بر عهده دارند باید تجارب ارزنده‌ای در این زمینه در نیروهای مسلح داشته باشند.

B- گذشته از داشتن پیشینه در برنامه ریزی نظامی، افسران باید در خصوص عملیات پنهانی هم مجرب باشند. مبنای کودتا امنیت است که غافلگیری عملیات را برای ما ممکن می سازد. شالوده امنیت هم مهارت کافی در عملیات جاسوسی است که تنها از طریق تجربه به دست می آید.

C- ممکن است تصور شود که یک دفتر نظامی شامل تعدادی مأمور محلی کافی خواهد بود تا از درون کشور هدف یا از بیرون، کار برنامه ریزی ویژه محلی را بر عهده گیرد. این دفتر نظامی تنها زمانی می تواند عمل کند که اطلاعات کامل و تازه نظامی در اختیار داشته باشد.

D- اعضای دفتر نظامی ممکن است از سوی رهبری که قرار است حکومت جدید (دوست) را به دست گیرد برگزیده شوند یا افرادی مستقل از منصوبان این رهبر باشند. در هر دو صورت، مهارت در عملیات پنهانی ضرورتی حیاتی است.

E- این که مأمور سیا به این دفتر نظامی شناسانده شود یا نه، به اوضاع محلی بستگی دارد. در ایران لازم دیدیم که کار به یک طراح سیا [کرمیت روزولت] واگذار شود و او بعداً ضروری تشخیص داد که خودش هم‌دوش با مأموران محلی در عملیات نیز شرکت کند. روشن است که این شیوه متضمن خطر امنیتی اضافی است و در صورت امکان باید از آن پرهیز کرد.

F- فهرست افراد مشمول بازداشت سیاسی باید در اختیار طراح نظامی سیا قرار گیرد و این وظیفه

خانواده‌های افسران دوست هم باید پیش بینی لازم به عمل آورد.

S - در مواردی که سلاح‌های آمریکایی هنوز در محل جان‌نیفتاده و عمومیت نیافته، امکان استفاده از سلاح‌های ساخت دیگر کشورها را باید خوب در نظر گرفت. [این قسمت همچنان محرمانه مانده است.]

T - [این قسمت همچنان محرمانه مانده است.]

U - [این قسمت همچنان محرمانه مانده است.]

V - [این قسمت همچنان محرمانه مانده است.]

W - [این قسمت همچنان محرمانه مانده است.]

X - بدیهی است برای پرهیز از هرگونه سردرگمی، از مدتی قبل باید صورت کاملی از انتصابات افسران در ارتش جدید تهیه شود.

Y - بهتر است تا حد امکان از سیستم تدارکاتی ارتش محلی استفاده شود تا اینکه سیستم پنهانی جدیدی به راه افتد. به همین ترتیب خیلی بهتر است که عملیات در درون کشور به اجرا درآید تا به صورت عبور از مرز. همچنین عملیات بسیار ساده‌تر صورت می‌گیرد اگر مأموران سیادر محل مستقر باشند تا در خارج کشور. هر زمان که لازم آید باید از وجود نیروهای پشتیبان برای جلوگیری از پاتک بهره گرفت.

زیر نویس‌ها

1. <http://www.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB28/documents>

2. SCIO LINO ELAINE, Mossadegh: Eccentric Nationalist Begets Strange History, April 16, 2000, Sunday Foreign Desk, 767 words

در این مقاله آمده است که به استثنای آیه‌الله خمینی [ره] پدر انقلاب ایران، هیچ رهبری عمیق‌تر از محمد مصدق در چشم‌انداز قرن بیستم ایران اثر نگذاشته و هیچ واقعه‌ای در قرن بیستم بیشتر از سرنگونی وی موجب سوءظن ایران نسبت به ایالات متحده نشده است. نگاه کنید به:

<http://archives.nytimes.com/archives/search/fastweb?getdoc+allyears2-qpass+db365+538092+2+wAAA+iran%7E coup%7E>

۳. شرح حال کریمت روزولت با عنوان «مبتکر کودتای سیا که شاه ایران را در ۱۹۵۳ [۱۳۳۲] به تخت طاووس بازگرداند» در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۰۰ برابر با ۳/۲۷/۱۳۷۹ در روزنامه تایمز لندن به چاپ رسیده است.

خانه‌های امن باید محافظانی در نظر گرفت که قادر به حفاظت از آنها باشند.

K - اقدام حمایتی نظیر انواع خودرو، تاکسی و دیگر وسایل نقلیه را باید تدارک دید و خیلی پیش از شروع عملیات حاضر و آماده نگهداشت.

L - رده بندی افراد و واحدهایی که نیروهای دوست را تشکیل می‌دهند در صورت امکان باید عملی گردد. نکته حیاتی این است که چنانچه بخشی از عملیات مالو برود، در بازجویی‌ها همه امکانات ما شناخته نشود.

M - اعضای دفتر نظامی تحت هر شرایطی نباید در عملیات شرکت فعال داشته باشند زیرا در زیر بازجویی ممکن است در وضعی قرار بگیرند که بیش از اندازه افشاء کنند.

N - هیأت نظامی باید شامل هر دو گروه مأموران ستادی و رزمی و نیز بسته به شرایط محل، تعداد کافی کارشناس عملیاتی باشد. وجود یک مأمور ستادی برای ارتباطات بسیار مفید خواهد بود.

O - احتمال پاتک بر ضد ایالات متحده همواره باید از سوی همه مأموران سیا که در این نوع عملیات شرکت دارند در نظر گرفته شود. کمتر عملیاتی مثل این عملیات حساس است. این حقیقت ایجاب می‌کند که ورزیده ترین و مجرب ترین مأمورانی که بتوان پیدا کرد به کار گرفته شوند.

P - در برنامه ریزی نظامی باید احتمال شکست کامل را در نظر گرفت و در نتیجه باید مسأله عقب نشینی افراد سیا و نیز نیروهای محلی که ممکن است لو بروند در آن گنجانده شود. ممکن است اجرای عملیات انتقال و ایستگاه‌های نظامی آمریکا و شبکه‌های فرار و نجات و... ضرورت یابد. اگر هیچ یک از امکانات مربوطه موجود نبود، پیش از عملیات باید مخفیگاه‌هایی پیش بینی کرد و در سراسر مدت حاضر و آماده نگهداشت.

Q - تا جایی که می‌توانیم باید تلاش کنیم به تعهدات خود در قبال افراد دوست عمل کنیم. در ایران ما به رشوهر روی نیابور دیم زیرا احساس کردیم افسرانی که رشو به بگیرند ممکن است در صورت بروز مشکلی طاق فرسا مانند شکنجه، عملیات را لو دهند. در ایران ما یک سنت هم برای خریدن افسران خرج نکردیم.

R - درباره سربستی و نگهداری همسران و